

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

افترا به رسول خدا ﷺ

سرپوشی بر جرایم خلفا

۲۰ آبان ۱۳۸۸

۲۳ ذی القعدة ۱۴۳۰

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

چکیده سخن

در گذشته بیان شد که اهل سنت به دلیل پذیرش عدالت صحابه ناچارند عصمت پیامبر ﷺ را توجیه و تأویل نمایند. به عبارت دیگر آنان پیامبر ﷺ را فقط در تلقی و ابلاغ وحی معصوم می‌دانند. طبق نظر آنها، پیامبر ﷺ در امور جاری زندگی (اجتماعی، فردی و قضایی)، به اجتهادات و افکار خویش مراجعه کرده و مانند افراد عادی دچار اشتباه و تردید می‌شوند.

اهل سنت با أدله‌ای که ذکر می‌کنند نه تنها بر وقوع خطا و اشتباه از سوی پیامبر ﷺ تأکید می‌کنند، بلکه جهت اثبات ادعای خود (وقوع اشتباه از سوی پیامبر ﷺ) به آیاتی از قرآن نیز تمسک می‌جویند.

در این مبحث، هدف و تلاش ما بررسی موضوعاتی همچون نماز بر منافقین، حجاب زنان پیامبر ﷺ، آیات شیطانی، اتهام بت پرست بودن پیامبر ﷺ، و تأخیر نماز رسول خدا ﷺ می‌باشد.

تحلیل و بررسی نماز هیئت بر منافقین

مطابق روایات اهل سنت، هنگامی که عبدالله بن ابی از دنیا رفت،

پیامبر ﷺ با دعوت فرزند عبدالله قصد کردند که بر جنازه او نماز بخوانند. عمر بن خطاب به مخالفت با پیامبر ﷺ برخاست و به نشانه اعتراض لباس پیامبر ﷺ را کشید و به ایشان ﷺ یادآوری نمود که طلب مغفرت به حال منافقان هرگز سود نخواهد داشت. ولی پیامبر ﷺ با وجود ممانعت عمر، قصد خویش را عملی نمودند. زمانی نگذشت که آیه قرآن نازل شد و به طور صریح پیامبر ﷺ را از نمازگزاردن بر منافقین نهی نمود^(۱).

براساس این ادعا، پیامبر ﷺ در اجتهاد خویش دچار اشتباه و خطا شدند، ولی عمر بن خطاب بهتر از پیامبر ﷺ مقصود قرآن را دریافت نمود و دچار خطا و اشتباه نشد.

همچنین می توان ادعا نمود، چون پیامبر ﷺ نیز مانند دیگر افراد عادی جامعه، (العیاذ بالله) دچار اشتباه و خطا می شوند، پس می توان به حریم و ساحت مقدس رسول اکرم ﷺ تجاوز نموده و با ایشان مخالفت کرد^(۲).

و مهم تر از همه این ادعاست که خداوند متعال با نزول آیه شریف:

﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ﴾^(۳).

هرگز بر مرده هیچ یک از آنان، نماز نخوان و بر کنار قبرش نایست، چرا که آنها به خدا و رسولش کافر شدند، و در حالی که فاسق بودند از دنیا رفتند.

علاوه بر این که عمل پیامبر ﷺ را تخطئه نمود، قول و رأی فردی عادی و

۱. تحفة الأحباب، صفحه ۲۵۲ و از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۴۷۳ و اسد الغابة، جلد ۳ صفحه ۱۹۷.

۲. برای اطلاع بیشتر به جزوه شماره ۸۱ رجوع کنید.

۳. سوره توبه، آیه ۸۴.

کم سواد از جامعه (عمر ابن خطاب) را مورد تأیید و ستایش قرار داد.

مخالفت با محکومات قرآن

چنان که روشن شد، یکی از مستندات اهل سنت برای اثبات نظریه خود در مورد محدوده عصمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ماجرای نماز پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر جنازه عبدالله بن ابی می‌باشد. براساس روایات مطرح در کتب اهل سنت، عمر بن خطاب به دلیل برپایی این نماز، به سختی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مورد اعتراض قرار داد و حتی آیه‌ای هم در تأیید این رفتار عمر نازل شد.

در پاسخ به این استناد باید گفت: اگر اعتراض عمر به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را درست و صحیح بدانیم، در این صورت با تعداد زیادی از محکومات قطعیه قرآن - که در آنها تصریح به جایز نبودن اعتراض، مخالفت و پیشی گرفتن به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شده است - به مخالفت برخاسته‌ایم. اکنون برای نمونه به چند آیه اشاره می‌نماییم.

۱ - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدم نشمرید (و پیشی مگیرید) و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و دانا است.

با توجه به این آیه شریف این سؤال مطرح است که اگر تنها فضیلت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تلقی و ابلاغ وحی است، عدم جواز پیشی گرفتن بر ایشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تمام موارد و امور چه معنایی دارد؟ اگر فهم دیگران بهتر و صحیح‌تر از رسول

۱. سوره حجرات، آیه ۱.

الله ﷺ است، چرا نباید به آن‌ها اجازه دهیم که بر پیامبر ﷺ پیشی گرفته و قول خود را آشکار نمایند؟

۲ - ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^(۱).

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و از مخالفت خدا بپرهیزید که خدا کیفرش شدید است.

کسی که احتمال گناه در مورد او می‌رود، دستور به اطاعت مطلق از او معنی ندارد، چون ممکن است عملی که از آن نهی نموده واقعاً منکر نباشد و یا آنچه که بدان امر نموده، در حقیقت منهی و منکر باشد.

۳ - ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^(۲).

مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

پرسشی که از مضمون این آیه شریف در ذهن ایجاد می‌شود آن است که، آیا عاقلانه است خداوند سبحان، کسی را که دچار اشتباه و خطا می‌شود، به عنوان الگو و اسوه نیکو معرفی نماید؟

براساس آیه ذکر شده، خداوند متعال تمام اقوال و افعال رسول خدا ﷺ را مرضی و مقبول درگاه خود معرفی می‌فرماید و از انسان‌ها می‌خواهد گام به گام به دنبال ایشان حرکت نمایند. اکنون پرسش این است که آیا می‌توان تصور نمود

۱. سوره حشر، آیه ۷.

۲. سوره احزاب، آیه ۲۱.

خداوند متعال در آیه دیگری ﴿لَا تُصَلِّ...﴾ همین پیامبر را که الگو و سمبل جهانیان معرفی نموده است، تخطئه نماید؟ آیا می‌توان پذیرفت که خداوند متعال با این کار الگو قرار دادن و سپس تخطئه کردن، بندگان خود را به گمراهی و ضلالت بکشاند؟

۴ - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ﴾ (۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و سرپیچی ننمایید، در حالی که (سخنان او را) می‌شنوید.

آیا در نگاه عقل پسندیده است که اطاعت از فردی جایز الخطا، هم ردیف اطاعت از خداوند قرار گیرد؟! در حالی که در پنج آیه (۲) از قرآن کریم، خداوند متعال اطاعت از خود را مقرون به اطاعت از پیامبر ﷺ می‌داند.

۵ - ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى﴾ (۳).

هرگز دوست شما (رسول الله ﷺ) منحرف نشده و مقصد را گم نکرده است.

«ضلالت» به معنای انحراف عمدی یا سهوی می‌باشد (۴) ولی «غوی» به معنای انحرافی است که از روی جهالت و نادانی باشد (۵).

از این آیه شریف چنین برداشت می‌شود که هیچ انحرافی در گفتار و رفتار

۱. سوره انفال، آیه ۲۰.

۲. این آیات عبارتند از: سوره آل عمران آیه ۳۲، سوره نساء، آیه ۵۹، سوره انفال، آیه ۲۰، سوره نور، آیه ۵۴، سوره محمد، آیه ۳۳.

۳. سوره سوره نجم، آیه ۲.

۴. مفردات غریب القرآن، صفحه ۳۰۶.

۵. مفردات غریب القرآن، صفحه ۳۸۰.

رسول خدا ﷺ وجود ندارد. آیا اهل سنت در برابر این گونه آیات پاسخی دارند؟
 آن‌ها چگونه می‌خواهند اعتراض عمر و برخی دیگر از صحابه به رسول الله ﷺ را توجیه نمایند؟

بنابر باور اهل سنت، آیه ۸۴ از سوره توبه، عمل پیامبر ﷺ را تخطئه می‌کند! در پاسخ به این افتراء بیان می‌نمایم که آیات فراوانی از جمله آیه فوق نظر آنان را رد می‌کند، چرا که رسول الله ﷺ هیچ‌گاه گمراه و دچار اشتباه نمی‌شوند.

اگر وجود هرگونه انحراف و تخطی در پیامبر ﷺ منتهی است، احتمال خطا در ایشان از کجا نشئت گرفته است؟

۶ - ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾^(۱).

و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید * آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست.

براساس مجموعه آیات ذکر شده، خداوند متعال، پیامبر ﷺ را شخصی عجیب شده با وحی معرفی می‌کند؛ یعنی رفتار، گفتار و کردار پیامبر ﷺ چیزی به غیر از وحی نیست و گویا پیامبر ﷺ وحی مجسم می‌باشند.

آیات متشابه قرآن را می‌توان با اخبار - حتی خبر واحد - تخصیص زد، ولی آیاتی که ذکر شد همه از محکمت قرآن هستند که اصلاً قابلیت تخصیص ندارند^(۲). پرسش ما از اهل سنت این است که برطبق نظریه آنان، این آیات چگونه تفسیر و توجیه می‌شوند، در حالی که اجازه ندارند از ظاهر این آیات دست بردارند؟

۱. سوره نجم، آیه ۴ و ۳.

۲. از منابع اهل سنت: الفصول في الاصول، جلد ۱ صفحه ۱۵۵.

نسبتی ناروا

مطابق روایتی که اهل سنت آن را بیان می‌کنند، آیه شریف ۸۴ سوره مبارک توبه ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَيَّ أَحَدٍ...﴾ در سال نهم هجرت نازل شده است^(۱). برطبق این روایت باید چنین نتیجه گرفت که پیامبر ﷺ، نه سال در باره یک موضوع دچار خطا و اشتباه بودند؛ زیرا از زمانی که پیامبر ﷺ به مدینه هجرت فرمودند، منافقان نیز در مدینه حضور داشتند و هر وقت که یکی از آنان از دنیا می‌رفت، پیامبر ﷺ برای جلوگیری از فتنه، بر جنازه آنان نماز می‌خواندند.

براین اساس آیا سزاوار است پیامبری که نه سال بر خلاف خواسته خدا عمل کرده و برای منافقین طلب مغفرت می‌نماید، را اسوه و الگوی خود قرار دهیم؟ آیا اطاعت از ایشان ﷺ را می‌توان در کنار اطاعت از خداوند متعال قرار داد؟ از سوی دیگر عمر بن خطاب رفتار خود را در مقابل مقام والای نبوت، نوعی لغزش و گمراهی می‌داند^(۲)، با این حال چگونه علمای اهل سنت عمل او را منقبت و فضیلت به شمار می‌آورند؟

خداوند سبحان در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾^(۳).

۱. از منابع اهل سنت: سیره ابن هشام، جلد ۴ صفحه ۱۹۷ و تاریخ اسلام ذهبی، جلد ۱ صفحه ۶۶۰.

۲. از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۴۷۳. در ادامه سخن عین گفته عمر در این مورد را نقل خواهیم کرد.

۳. سوره حجرات، آیه ۲.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر ﷺ نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید آن‌گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید.

از این آیه بر می‌آید که تنها بلند کردن صدا در محضر پیامبر ﷺ، اعمال نیک را نابود کرده و ایمان انسان از بین می‌برد. حال در جایی که عملی مانند بلند کردن صدا در حضور پیامبر ﷺ این چنین عقاب سنگینی به دنبال دارد، آیا اعتراض و مخالفت با پیامبر ﷺ، و ممانعت از رفتار ایشان حتی کشیدن لباس پیامبر ﷺ موجب عقاب و عذاب نمی‌شود؟ آیا واقعاً مخالفت با پیامبر ﷺ فضیلت و منقبت برای عمر و صحابه محسوب می‌شود؟! آیا این‌گونه رفتار موجب از بین رفتن ایمان و اسلام نمی‌باشد؟ مطمئناً علمای اهل سنت نیز با پذیرفتن این‌گونه سخنان و این طرز تفکر و اندیشه، ایمان و اعمال خود را حبط و نابود می‌کنند.

اعتراف خلیفه دوم به گناه

چنان که گذشت، بعضی از صحابه با توهمات و تلقیات اشتباه درباره شخصیت پیامبر ﷺ، انواع گناهان و اشتباهات را به رسول خدا ﷺ نسبت می‌دادند. از این رو رفتار خلیفه دوم با پیامبر ﷺ، توجیه‌پذیر جلوه می‌کرد. این صحابه جایگاه رسول خدا ﷺ را بسیار پائین آوردند، به گونه‌ای که ایشان را فردی خطاکار، منحرف و دچار اشتباهات عمدی و سهوی می‌دانستند. خداوند متعال طبق آیه ﴿لَا تُقِيمُوا...﴾ صحابه را از پیشی گرفتن بر رسول خدا ﷺ و تفکرات باطل در مورد ایشان ﷺ نهی نمودند.

معنای آیه شریف این است که دیگران حتی در امور معمولی و عادی، حقّ پیشی گرفتن بر پیامبر ﷺ را ندارند چه رسد به اینکه ادعا کنند فهم ما در مسائل مربوط به وحی از رسول خدا ﷺ بیشتر می‌باشد. خلیفه دوم زمانی که رسول خدا ﷺ را از اقامه نماز بر منافقین بازداشت، هنوز وحی و آیه قرآنی از جانب خداوند متعال نازل نشده بود، اکنون پرسش این است که آیا ادعای نزول زودتر وحی الهی قبل از رسول خدا ﷺ بر خلیفه دوم مدعایی عاقلانه است؟! اهل سنت برای حفظ اساس و بنیان مکتب سقیفه - که همان عدالت صحابه است - ناچار هستند جایگاه خلیفه دوم و دیگر خلفا را به حدی بالا ببرند که حتی خلیفه دوم به خود اجازه جسارت و هتک حرمت به رسول خدا ﷺ را بدهد و ایشان را محاکمه نموده و خود حکم نهایی را صادر نماید. البته این ادعای اهل سنت در مورد عدالت صحابه، سخنی است که مورد تأیید خلیفه دوم نمی‌باشد، زیرا خود او چنین می‌گوید:

« لقد أصبت في الإسلام هفوة ما أصبت مثلها قطّ ، أَرَادَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنْ يَصَلِّيَ عَلَيَّ عَبْدُ اللَّهِ بْنِ أَبِيٍّ ، فَأَخَذَتْ بَشْوَبَةَ فَقُلْتُ : وَاللَّهِ مَا أَمْرُكَ اللَّهُ بِهَذَا »^(۱).

من در اسلام دچار لغزشی شدم که هرگز مانند آن را انجام نداده بودم. پیامبر اکرم ﷺ قصد داشتند بر جنازه عبدالله بن ابیّ نماز بگذارند، ولی من لباس ایشان را گرفته و از این عمل جلوگیری نمودم و گفتم: به خدا قسم هرگز خداوند شما را به این کار امر ننموده است.

اکنون که خلیفه دوم خودش اعتراف می‌کند که عمل او خطا و لغزش بوده

۱. الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۲۶۴، کنز العمال، جلد ۲ صفحه ۴۱۹.

است، چگونه اهل سنت این گونه اعمال را فضیلت محسوب نموده و آن را مایه تحکیم مکتب ساختگی عدالت صحابه قرار می‌دهند؟ آیا می‌توان ادعا کرد که پیامبر ﷺ - که اساس دین و مذهب را از جانب خداوند متعال دریافت و به مردم ابلاغ نموده است - نیز باید از تابعین و پیروان خود متابعت نمایند؟

حقیقت غیر قابل انکاری که باید به آن اعتراف نمود این است که خلیفه دوم نباید در مقابل پیامبر اکرم ﷺ جسارت و تندگی به خرج می‌داد. البته این گونه تندروی‌ها از صحابه (مخصوصاً عمر و ابوبکر) در تاریخ، فراوان به چشم می‌خورد، و این اعتراف عمر تنها جنبه ادعا دارد، زیرا او مرتکب اشتباهات و جنایات بزرگتر از این نیز شده است.

آیات حجاب، آزمونی دیگر

نهایت کوشش و تلاش اهل سنت این است که تمام واقعیات تاریخی را زیر سؤال برده و صحابه را مبری از هرگونه فسق و فجور معرفی کنند.

آنها طبق روایاتی که در ادامه خواهد آمد، فضیلت دیگری برای عمر ادعا کرده‌اند و آن این که، او زودتر از پیامبر ﷺ و حتی خداوند متعال می‌خواست که فرمان حجاب نازل شود و زنان پیامبر ﷺ در پرده حجاب قرار بگیرند!!

در قرآن کریم آیات فراوانی که نشانگر نوع حجاب زنان پیامبر ﷺ است، وجود دارد. عمده این آیات در سوره احزاب ذکر شده است. در اینجا به یکی از آیات اشاره کرده و شأن نزول آن را از منابع اهل سنت ذکر می‌نماییم و در پایان نیز برداشت اهل سنت از این آیه را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم. خداوند سبحان در سوره احزاب می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا﴾

وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا * إِنْ تَبَدُّوا شَيْئًا أَوْ تَخَفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿١﴾ .

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در بیوت پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه برای صرف غذا داده شود (مشروط بر اینکه قبل از موعد نیایید و) در انتظار وقت غذا ننشینید، اما هنگامی که دعوت شدید داخل شوید و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید، و به بحث و صحبت ننشینید، این عمل پیامبر را ناراحت می‌کند ولی او از شما شرم می‌کند، اما خداوند از بیان حق شرم ندارد و هنگامی که چیزی از وسائل زندگی از آنها (همسران پیامبر) می‌خواهید از پشت پرده بخواهید، این کار دل‌های شما و آنها را پاک‌تر می‌دارد، و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید و نه هرگز همسران او را بعد از او به همسری خود در آورید که این کار نزد خدا عظیم است! * اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان دارید خداوند از همه چیز آگاه است.

در منابع اهل سنت روایات فراوانی تحت عنوان شأن نزول این آیه شریف ذکر گردیده است که ما فقط به دو روایت اشاره می‌کنیم.

۱. « قال عمر: وافقت ربي في ثلاث (أو أربع) في مقام إبراهيم وفي أسارى بدر وفي الحجاب وقلت: يا رسول الله ﷺ! لو اتخذت

۱. سورة احزاب آیات، ۵۳ و ۵۴.

على نسائك حجاباً فإنه يدخل عليك البرّ والفاجر، فأنزل الله تعالى آية الحجاب»^(۱)؛

عمر، می گوید نظر من با نظر پروردگار در سه (یا چهار) امر موافق بود؛ درباره مقام ابراهیم و در مورد اسیران بدر و در مورد حجاب زنان پیامبر و به رسول خدا ﷺ [گفتم: چرا همسران را با حجاب پوشش نمی دهی؟ به درستی که انسان خوب و فاسق در منزل تو رفت و آمد دارند؛ در این هنگام خداوند آیه حجاب را نازل نمود.

۲. «أمر عمر نساء النبي ﷺ بالحجاب، فقالت زينب: يا بن الخطاب! إنك لتغار علينا والوحي ينزل في بيوتنا، فأنزل الله تعالى هذه الآية»^(۲).

عمر همسران پیامبر ﷺ را به حجاب امر کرد. پس زینب (بنت جحش) گفت: ای پسر خطاب! آیا تو در برابر ما غیر تمند می شوی در حالی که وحی در خانه های ما نازل می شود؟! پس در این هنگام خداوند متعال این آیه را نازل فرمود.

از این دو روایت دو نتیجه ناهمگون به دست می آید:

۱. آیه بعد از تقاضای عمر از پیامبر ﷺ مبنی بر رعایت حجاب همسر

ایشان نازل شد.

۱. از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۵ صفحه ۷، تفسیر ابن کثیر، جلد ۳ صفحه ۵۱۱،

مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۲۴ و صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۱۵۰.

۲. از منابع اهل سنت: تفسیر الثعلبی، جلد ۸ صفحه ۶۰، الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۲۰۲،

الکشاف، جلد ۳ صفحه ۲۷۲، مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۴۵۶ و تفسیر القرطبی، جلد ۱۴

صفحه ۲۲۴.

۲. بعد از اینکه عمر همسران پیامبر ﷺ را امر به حجاب نمود، آیه نازل گردید. در جلسات گذشته هفت روایت در ذیل آیه ذکر نموده و به نقد و بررسی روایات وارده پرداختیم^(۱). اکنون از سه اشکالی که قبلاً مطرح گردید، فقط یک اشکال را مرور می‌نماییم.

اشکال

مطابق ادّعی اهل سنت، غیرت و تقاضای خلیفه دوم باعث شد تا آیه شریف نازل شود و همسران پیامبر ﷺ را به حجاب فرمان دهد؛ در حالی که این سخن طبق روایاتی که خود اهل سنت نقل می‌کنند، باطل است؛ زیرا در یکی از روایات به نقل از زینب بنت جحش خواندیم:

« یابن الخطاب! إنك تغار علينا والوحي ينزل في بيوتنا؟ »^(۲)؛

آیا تو در برابر ما غیرت نشان می‌دهی در حالی که وحی در خانه ما نازل می‌شود؟

از این سخن به دست می‌آید که درخواست و تقاضای خلیفه دوم مبنی بر رعایت حجاب، بعد از نزول آیه شریف بوده است، نه قبل از آن. با این حال اهل سنت ادّعا می‌کنند که آیه شریف بعد از تقاضای خلیفه دوم نازل گردید؟ این اشکالی است که قرطبی مفسر اهل سنت نیز آن را در تفسیر خود نقل می‌کند^(۳). طبق این برداشت فضیلتی برای عمر اثبات نخواهد شد.

دو نکته مهم و اساسی

۱. مطالعه آیه ۵۳ سوره احزاب (بدون اجازه وارد خانه پیامبر ﷺ نشوید)

۱. برای اطلاع بیشتر به جزوه ۸۵، رجوع کنید.

۲. از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۳ صفحه ۲۲۲.

۳. تفسیر قرطبی، جلد ۱۴ صفحه ۲۲۵.

انسان را منقلب می‌کند. آیا اهل سنت واقعاً به این آیه قرآن عمل نمودند؟ این مسئله، غم جانسوزی است که قلب همه عالم را به درد می‌آورد و اشک همه انسان‌های حقیقت بین را جاری می‌نماید. این خانه، خانه‌ای بود که امام صادق علیه السلام درباره آن می‌فرمودند:

«کان جبرئیل إذا أتى النبي صلى الله عليه وآله قعد بين يديه، قعدة العبد وكان لا يدخل حتى يستأذنه»^(۱).

زمانی که جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌آمد مانند بردگان در برابر ایشان می‌نشست و وارد خانه نمی‌شد تا زمانی که به او اجازه داده شود.

در ماجرای قبض روح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز چنین می‌خوانیم: عزرائیل که هیچ وقت برای قبض روح اجازه نمی‌گیرد، هنگام قبض روح نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بعد از کوبیدن در، برای ورود به خانه کسب اجازه می‌کند. حضرت زهرا علیها السلام کنار در آمدند و فرمودند: «من بالباب» چه کسی در می‌زند؟ گفت: مردی هستم که از راه دور آمده‌ام. حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حال استراحت هستند، برگرد. او برگشت و دوباره دق الباب کرد. و همان پاسخ را شنید و برگشت. در دفعه سوم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چشمانشان را باز کردند و فرمودند: دخترم! کیست؟ حضرت زهرا علیها السلام پاسخ دادند: شخصی است که می‌گوید از راه دور آمده‌ام. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: درب را باز کن، این عزرائیل است، او از هیچ کس اجازه نمی‌گیرد^(۲).

براساس این آیه شریف و به ضمیمه روایات، دخول به خانه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن هم بدون اذن، گناه و معصیت مسلم است. اگر کسی دستور صریح خداوند متعال

۱. بحار الأنوار، جلد ۱۸ صفحه ۲۵۶، تفسیر نور الثقلین، جلد ۴ صفحه ۲۹۷.

۲. بحار الأنوار، جلد ۲۲ صفحه ۵۳۳ و ۵۲۷ و از منابع اهل سنت: طبقات الکبری، جلد ۲ صفحه ۲۵۹.

را زیر پا گذاشت نمی‌توان او را عادل دانسته و در ردیف شخصیت معصومی هم‌چون رسول خدا ﷺ قرار داد.

هجوم به خانه حضرت زهرا علیها السلام همانند هجوم به بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم محسوب می‌شود. زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴾ (۱).

(این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند.

این بیوت همان بیوتی هستند که بدون اجازه گرفتن، داخل شدن به آن گناه و معصیت محسوب می‌شود، لذا در ذیل آیه، روایات فراوانی ذکر شده است که یکی از آنها به بیان مصادیق بیوت می‌پردازد. راوی می‌گوید:

«قرأ رسول الله ﷺ هذه الآية ﴿ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴾ فقام رجل فقال: أي بيوت هذه يا رسول الله ﷺ قال بيوت الأنبياء فقام إليه أبو بكر فقال: يا رسول الله! هذا البيت منها؟ البيت علي وفاطمة؟ قال: نعم من أفاضلها» (۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که آیه ﴿ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴾ را تلاوت نمود مردی ایستاده و پرسید: این خانه‌ها کدامند؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

۱. سوره نور، آیه ۳۶.

۲. از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۵، صفحه ۵۰، شواهد التنزیل، جلد ۱ صفحه ۵۳۴، تفسیر الثعلبی، جلد ۷ صفحه ۱۰۷.

فرمود: خانه‌های انبیاء؛ پس ابوبکر ایستاد و پرسید: آیا خانه علی و فاطمه نیز جزء این خانه‌ها می‌باشد؟ رسول خدا ﷺ فرمود: بله از برترین آن خانه‌ها می‌باشد.

حال پرسش این است که آیا اهل سنت حقّ این خانه را به جای آوردند؟ آیا راهی جز به آتش کشیدن این خانه نداشتند^(۱)؟ این افراد - که اهل سنت مدّعی عادل بودن تمام آن‌ها هستند - عصمت پیامبر ﷺ را خدشه دار نموده و زیر سؤال بردند و حتی بدون اذن وارد خانهٔ وحی شدند و حرمت آن را شکستند.

۲. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى﴾^(۲).

[ای همسران پیامبر] و در خانه‌های خود بمانید و هم چون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

مطابق این آیه شریف، همسران پیامبر ﷺ مأمور شدند که در خانه‌های خود نشسته و هرگز در مسائل دخالت نکنند. اما چگونه شد که صحابه، عایشه را از خانه بیرون کشیده و سوار بر جمل کردند و او را در میان شهرها گرداندند تا به بصره رسیدند و در آن جا او را در مقابل خلیفهٔ رسول خدا ﷺ (امیرالمؤمنین علی علیه السلام) قرار دادند^(۳)؟ آیا در مورد عایشه استثنایی وجود داشت که او را مجاز می‌کرد از خانهٔ خود بیرون بیاید؟ آیا این آیات شامل همهٔ همسران پیامبر ﷺ نمی‌شد؟

۱. از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۲۰ صفحه ۱۴۷ و الإمامة والسیاسة، جلد ۱ صفحه ۳۰.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.

۳. از منابع اهل سنت: تاریخ الإسلام ذهبی، جلد ۳ صفحه ۴۸۳ و الکامل فی التاریخ، جلد ۳ صفحه ۲۰۵.

عایشه حتی به این عمل هم اکتفا نکرد و زمانی که پیکر مطهر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را جهت وداع و دفن به خانه جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند، سوار بر استری شد و دستور تیراندازی به بدن مطهر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را صادر نمود. در این هنگام ابن عباس به او گفت:

«یوم علی الجمل و یوم علی البغل»^(۱).

ای عایشه! روزی سوار بر شتر و روزی سوار بر قاطر (مشغول فتنه‌انگیزی) هستی.

آیا رواست که اهل سنت تمام واقعیات تاریخی را زیر سؤال برده و تنها به این فکر باشند که صحابه را از هرگونه فسق و فجور منزّه معرفی کنند؟ آیات و روایاتی که به آنها تمسک جستند، قدرت زیر سؤال بردن اصل مسلمی مانند عصمت انبیاء علیهم السلام را ندارد و نمی‌تواند فضیلت و برتری را برای صحابه به اثبات برساند.

رسول الله صلی الله علیه و آله در معرض وسوسه‌های شیطانی!

در ابتدا اهل سنت سعی داشتند که عصمت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در تلقی و ابلاغ وحی محدود نمایند. اما آنها بعداً از این ادعا نیز فراتر رفته و حتی ایشان را در تلقی و ابلاغ وحی معصوم هم ندانستند. یکی دیگر از مستندات و اتهامات اهل سنت «داستان غرانیق» می‌باشد.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ﴾^(۲).

(ای مشرکان) آیا لات و عزی را دیده‌اید؟ * و منات آن بت سومی دیگر را.

۱. بحار الأنوار، جلد ۴۴ صفحه ۱۴۱.

۲. سوره نجم، آیات ۱۹ و ۲۰.

اهل سنت می‌گویند: زمانی که بیک وحی این آیات را تلاوت نمود شیطان دست به کار شد و چنین جملاتی را بر زبان مبارک پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جاری نمود:

«تلك الغرائق العلى وإن شفاعتهن لترتجى»^(۱).

این سه (لات، عزى و منات) مرغان بلند پروازی هستند که به شفاعت آنها امید می‌رود.

در کتب روایی اهل سنت، روایات فراوانی برای شأن نزول این آیات ذکر شده است. در این مجال به ذکر یک روایت اکتفا نموده و به صورت اجمالی و گذرا به نقد و بررسی این اتهام می‌پردازیم.

«عن سعيد ابن جبیر، قال: قرأ رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَى﴾ فألقى الشيطان على لسانه: تلك الغرائق العلى وشفاعتهن ترتجى، ففرح بذلك المشركون وقالوا: قد ذكر آلهتنا، فجاء جبرئيل عَلَيْهِ السَّلَام إلى رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقال: أعرض عني كلام الله، فلما عرض عليه فقال: أمّا هذا فلم أتك به، هذا من الشيطان، فأنزل الله تعالى هذه الآية»^(۲).

سعید بن جبیر می‌گوید: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تلاوت نمودند: (ای مشرکان آیات و عزى را دیدید؟ و منات آن بت سومی دیگر را؟) پس شیطان بر زبان ایشان القاء نمود: این سه مرغان بلند پروازی هستند که به شفاعت آنان امید می‌رود. پس مشرکان از این مطلب شادمان شدند و گفتند: او از خدایان ما یاد نمود. پس جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و گفت: کلام خدا را بر من بنخوان؛ پس زمانی که کلام خدا را بازگو نمود، جبرئیل گفت: این

۱. از منابع اهل سنت: فتح الباری، جلد ۸ صفحه ۳۳۳ و مجمع الزوائد، جلد ۷ صفحه ۱۱۵.

۲. أسباب نزول الآيات، صفحه ۲۰۸.

جمله آخر را من برای تو نیاورده بودم، این جمله از شیطان است، پس خداوند متعال این آیه را نازل نمود.

این روایت در کتب معروف اهل سنت یافت می‌شود - البته با مقداری تفاوت یا ذکر مقداری از روایت - که بعضی از آنها عبارتند از: صحیح بخاری^(۱) صحیح مسلم^(۲)، مسند احمد^(۳)، الدر المنثور^(۴)، تاریخ طبری^(۵)، الكامل فی التاریخ^(۶)، معجم کبیر طبرانی^(۷)، مجمع الزوائد^(۸)، سنن الکبری^(۹).

نقدی بر ادعای اهل سنت

پس از روشن شدن ماجرا به نقل کتب اهل سنت، به مرحله بررسی و راستی آزمایی چنین نقل‌هایی می‌رسیم. در این مورد باید گفت که چنین احادیثی به طور کلی جعلی و ساختگی می‌باشد و اگر انسان اندک اطلاعی از حدیث و حدیث‌شناسی داشته باشد، به طور قطع و یقین به جعلی بودن این احادیث اذعان و اعتراف می‌نماید. مسلماً این گونه احادیث از اسرائیلیات می‌باشد و داستان مرموزی جهت رسیدن به اهداف شیطانی این احادیث را جعل کرده‌اند. اشکال اساسی این گونه احادیث - که در جلسات گذشته به طور مفصل مورد

۱. جلد ۲ صفحه ۳۲، جلد ۴ صفحه ۲۳۹ و جلد ۶ صفحه ۵۲.

۲. جلد ۲ صفحه ۸۸.

۳. جلد ۱ صفحه ۴۴۳.

۴. جلد ۴ صفحه ۳۶۸.

۵. جلد ۲ صفحه ۷۶.

۶. جلد ۲ صفحه ۷۷.

۷. جلد ۱۲ صفحه ۴۲.

۸. جلد ۷ صفحه ۱۱۵.

۹. جلد ۲ صفحه ۳۱۴.

بحث و بررسی قرار گرفت، آن است که اهل سنت برای اثبات ادعای خود یعنی عدالت تمامی صحابه، ناچار شدند عصمت مطلق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نفی نموده و قائل شوند که عصمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منحصر و محدود به تلقی و ابلاغ وحی می‌باشد، اما در امور جاری زندگی به اجتهادات شخصی خویش مراجعه می‌نمایند. اما نکته اساسی این است که اگر اهل سنت عصمت را حتی به همین صورت محدود نیز پذیرفته باشند، جایی برای مطرح نمودن این‌گونه احادیث نمی‌ماند؛ زیرا اگر شیطان بتواند در قرائت و تلاوت وحی تصرف نماید، عصمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حتی در مورد ابلاغ وحی الهی هم منتفی می‌شود، زیرا در صورت معصوم بودن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جایی برای نفوذ شیطان باقی نمی‌ماند. این دوگانگی در سخنان، از دید علمای متأخر اهل سنت مخفی نمانده است، لذا در صدد رفع اشکال برآمده و ادعا کرده‌اند که این‌گونه احادیث در کتب معتبر یافت نمی‌شود. در پاسخ به آنان، بیان می‌کنیم، صحیح بخاری و صحیح مسلم، مورد اعتماد و پذیرش نباشد، پس دیگر چه کتاب‌هایی به عنوان کتب معتبر اهل سنت یافت می‌شود؟

تأخیر نماز رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ!

جنگ خندق یکی از جنگ‌هایی بود که نتیجه آن، پیروزی مسلمانان بود. البته طبق روایات معتبر از شیعه و اهل سنت، قدرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بود که مسلمانان را پیروز نمود. در سوره احزاب آیات فراوانی در مورد این جنگ بیان شده است، در یکی از این آیات خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا﴾^(۱).

خدا احزاب کافر را با دلی مملو از خشم بازگرداند، بی آنکه

۱. سوره احزاب، آیه ۲۵.

نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند و خداوند در این میدان مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت، (و پیروزی را نصیبشان کرد) و خدا قوی و شکست‌ناپذیر است.

در روایات معتبری که اهل سنت نیز ناقل آن می‌باشند، آمده است که ابن مسعود آیه فوق را چنین تلاوت می‌کرد:

أَنَّهُ كَانَ يَاقُرْأُ هَذَا الْحَرْفَ ﴿وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ﴾ بَعْلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ^(۱).

او این آیه را چنین قرائت می‌کرد: خداوند مؤمنین را به وسیله علی بن ابی طالب علیه السلام از جنگ بی نیاز ساخت.

در این جنگ بود که فضیلت دیگری برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام به ثبت رسید. اهل سنت در مورد جنگ خندق روایاتی مبنی بر تأخیر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم در خواندن نماز نقل می‌کنند. در یکی از این روایات چنین آمده است:

«أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ جَاءَ يَوْمَ الْخَنْدَقِ بَعْدَ مَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ، فَجَعَلَ يَسِبُّ كَفَّارَ قَرَيْشٍ، قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم! مَا كَدْتُ أُصَلِّيَ الْعَصْرَ حَتَّى كَادَتِ الشَّمْسُ تَغْرُبُ. قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله و سلم وَاللَّهِ مَا صَلَّيْتُهَا، فَقَمْنَا إِلَى بَطْحَانَ فَتَوَضَّأْنَا لِلصَّلَاةِ وَتَوَضَّأْنَا لَهَا فَصَلَّيْتُ الْعَصْرَ بَعْدَ مَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلَّيْتُ بَعْدَهَا الْمَغْرِبَ»^(۲).

عمر بن خطاب در روز جنگ خندق پس از غروب خورشید، در حالی که به کفار قریش دشنام می‌داد آمد و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! من نماز عصر را نخواندم تا اینکه نزدیک بود

۱. بحار الأنوار، جلد ۳۶ صفحه ۲۶، از منابع اهل سنت: الدر المنثور، جلد ۵ صفحه ۱۹۲ و تفسیر آلوسی، جلد ۲۱ صفحه ۱۷۵.
۲. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۱ صفحه ۱۴۷ و صحیح مسلم، جلد ۲ صفحه ۱۱۳.

خورشید غروب کند. رسول خدا ﷺ نیز فرمودند: به خدا سوگند من نیز نماز عصر را نخوانده‌ام. پس با یکدیگر به پاخواستند و به بطحان رفتیم. رسول الله ﷺ و ما برای نماز وضو گرفتیم. ایشان ﷺ نماز عصر را بعد از غروب آفتاب خواندند و بعد از آن، نماز مغرب را به جا آوردند.

در روایتی دیگر اهل سنت نقل می‌کنند:

«قال رسول الله ﷺ يوم الأحزاب وهو قاعد على فرضة من فرض الخندق: شغلونا عن الصلاة الوسطى حتى غربت الشمس، ملاً الله قبورهم وبيوتهم أو قال قبورهم وبطونهم ناراً»^(۱).

رسول خدا ﷺ در روز جنگ احزاب در حالیکه کنار خندق نشسته بودند، فرمودند: مشرکان با کار زیاد ما را از نماز عصر بازداشتند تا اینکه خورشید غروب کرد. خداوند متعال قبور و بازداشتند تا اینکه خورشید غروب کرد. خداوند متعال قبور و خانه‌هایشان را پراز آتش کند یا فرمودند: قبور و شکمهایشان را.

جالب توجه این که، راوی این روایت آن قدر متدین و مواظب! است که چون در جمله‌ی اخیر پیامبر ﷺ شک کرده، هر دو احتمال را نقل نموده تا جمله‌ای از کلام ایشان ﷺ کاسته نشود!

علمای اهل سنت در توجیه روایات فوق می‌گویند:

«إنما حلف النبي ﷺ تطيباً لقلب عمر فإنه شق عليه تأخير العصر إلى قريب من المغرب فأخبره النبي ﷺ أنه لم يصلها بعد ليكون لعمر به أسوة ولا يشق عليه ماجرى و تطيب نفسه»^(۲).

۱. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۵ صفحه ۴۸ و صحیح مسلم، جلد ۲ صفحه ۱۱۲.
۲. از منابع اهل سنت: شرح مسلم (نووی)، جلد ۵ صفحه ۱۳۱ و عمدة القاری، جلد ۵ صفحه ۹۱.

همانا رسول خدا ﷺ سوگند [بر نخواندن نماز عصر] یاد نمود تا قلب عمر را آرام کند، زیرا بر عمر سخت بود که نماز خود را تا نزدیک غروب به تأخیر انداخته است. پس پیامبر ﷺ به او خبر داد که من تا به حال نماز عصر را نخوانده‌ام تا این که بگویم حال من بدتر از توست (اگر تو نماز را با تأخیر خوانده‌ای من که هرگز نخوانده‌ام) و پیامبر ﷺ الگوی عمر در تأخیر نماز باشند و عمر بر خود سخت نگیرد و دلش آرام باشد.

از این سخن شگفت‌انگیزتر، سخن ابن حجر عسقلانی در کتاب فتح الباری است. او می‌گوید: احتمالاً تأخیر نماز رسول خدا ﷺ تا زمان مغرب عمدی بوده است و در ادامه می‌نویسد:

« وقد اختلف في سبب تأخير النبي ﷺ الصلاة ذلك اليوم، فقيل: كان ذلك نسياناً واستبعد أن يقع ذلك من الجميع »^(۱).
در مورد اینکه پیامبر ﷺ در روز احزاب به چه دلیلی نماز خود را به تأخیر انداختند، اختلاف شده است. پس گفته شده: این تأخیر به دلیل فراموشی بوده است اما بعید است همه اطرافیان پیامبر ﷺ دچار فراموشی شده باشند.

نقد و بررسی این روایت

در پاسخ به این سخنان ناروا باید گفت: اولاً، عمر در صحنه جنگ حضور نداشت^(۲) و ثانیاً، اصلاً جنگی روی نداد که افراد را به خود مشغول کند، بلکه شخصی به نام عمرو بن عبدود از خندق عبور کرد و هم‌اوردی طلبید، ولی هیچ

۱. فتح الباری، جلد ۲ صفحه ۵۶.

۲. برای اطلاع بیشتر به جزوه شماره ۸۷ صفحه ۱۶ بنگرید.

پاسخی نشنید. آن قدر رجز خواند که خود او صدا زد: آیا هیچ شجاعی در میان شما نیست؟ از بس فریاد کشیدم، گلویم خشک شد. در این هنگام حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ندای او را پاسخ داده و به رویارویی با او شتافتند. در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

« لقد برز الإیمان کله إلى الشُّرك کله »^(۱).

به تحقیق که همه ایمان در مقابل همه کفر قرار گرفته است.

وقتی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام توانستند سر او را جدا کنند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حق ایشان علیه السلام فرمودند:

« ضربة علیّ يوم الخندق أفضل من عبادة الثقلین »^(۲).

ضربه شمشیر علی علیه السلام در روز جنگ خندق، بر عبادت انسانها و جتیان برتری دارد.

به نظر می‌رسد که اهل سنت با جعل این‌گونه احادیث، می‌خواستند تا خلیفه دوم را نیز از این فضائل بهره‌مند کنند و بگویند عمر نیز در این جنگ زحمت زیادی متحمل شده است.

به هر جهت، جاعلین این‌گونه روایات، اهداف و اغراض خاصی داشتند، و گرنه ممکن نیست رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که خود احکام نماز را تبیین کرده و به برپاداشتن آن تأکید نموده‌اند، نماز را ترک کنند، به گونه‌ای که دیگری به ایشان صلی الله علیه و آله و سلم یادآوری نماید.

این ادّعی اهل سنت حالی‌ست که خداوند متعال حتی خواندن نماز شب را که

۱. بحار الأنوار، جلد ۲۰ صفحه ۲۱۵، از منابع اهل سنت: شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید)، جلد ۱۳ صفحه ۲۶۱ و ینایع المودة، جلد ۱ صفحه ۲۸۱.

۲. مناقب آل ابی طالب، جلد ۲ صفحه ۳۲۶، از منابع اهل سنت: نهاية العقول فی درایة الأصول (فخر رازی)، صفحه ۱۱۴.

بر دیگران مستحب است، بر پیامبر ﷺ واجب کرده و می‌فرماید:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^(۱).

پاسی از شب را برخیز و قرآن و نماز بخوان، این یک وظیفه اضافی برای تو است، تا پرودگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد.

هم‌چنین پیامبر اکرم ﷺ در مورد فضایل نماز می‌فرماید:

«الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ ... فَإِنْ قَبِلْتَ، قَبِلَ مَسَاوَاهَا وَإِنْ رَدَّتْ، رَدَّتْ مَسَاوَاهَا»^(۲).

نماز ستون دین است ... که اگر پذیرفته شود، دیگر اعمال نیز پذیرفته می‌شود و اگر پذیرفته نشود، دیگر اعمال نیز پذیرفته نمی‌شود.

مانند این قضایا که تعجب هر مسلمانی را برمی‌انگیزد، در صحیح بخاری فراوان یافت می‌شود - که باید به ظلم علمای اهل سنت نسبت به مقام شامخ نبوت، امامت و ولایت اعتراف نمود - مانند این که بخاری می‌گوید: پیامبر ﷺ زیاد می‌خوابیدند و خواب سنگینی داشتند و به همین دلیل نماز صبح ایشان ﷺ قضا می‌شد، از این رو در موردی عمر که صدای بلندی هم داشت، با صدای بلند ایشان ﷺ را از خواب بیدار کرد.

«وكان رجلاً جليداً فكبر و رفع صوته بالتكبير فمال يكبر ويرفع صوته بالتكبير حتى استيقظ لصوته النبي ﷺ»^(۳).

۱. سورة إسرء، آیه ۷۹.

۲. وسائل الشیعه، جلد ۴ صفحه ۲۷، بحار الأنوار، جلد ۱۰ صفحه ۳۹۴ و از منابع اهل سنت: الموطأ، جلد ۱ صفحه ۱۷۳ و الجامع الصغیر، جلد ۲ صفحه ۱۲۰.

۳. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۱ صفحه ۸۸، صحیح مسلم، جلد ۲ صفحه ۱۴۱،

عمر صدایی رسا و بلند داشت، او هم چنان با صدای بلند تکبیر می‌گفت تا اینکه پیامبر ﷺ با صدای بلند عمر از خواب بیدار شدند.

این روایات چه چهره‌ای از پیامبر خدا ﷺ ترسیم می‌نماید؟ زمانی هم که به شرح‌های کتب صحاح اهل سنت مراجعه می‌کنیم تا شاید آنان جهت رفع اشکال این سخنان راه حلی ارائه داده باشد، می‌بینیم متأسفانه آنها سخنان بدتر و زشت‌تری را به پیامبر خدا ﷺ نسبت می‌دهند.

پیامبر خاتم ﷺ و تهمت بت پرستی

اهل سنت آن چنان در منجلاّب عدالت صحابه دست و پا می‌زنند که هر سخن و ادعای پوچ و واهی را بر زبان جاری می‌کنند و گویا اصلاً به لوازم سخنان خود واقف نیستند.

در اتهام دیگری که به پیامبر ﷺ وارد می‌کنند، معتقدند: رسول خدا ﷺ قبل از بعثت مانند دیگران دچار جهالت و بت پرستی بوده است و حتی به پای بت‌ها گوسفند قربانی کرده و از گوشت آن قربانی هم تناول کرده‌اند. در یکی از روزها که پیامبر ﷺ مشغول چنین عملی بودند، زید بن عمرو بن نفیل (پسر عمومی خلیفه دوم) پیامبر ﷺ را از این کار برحذر داشته و عمل ایشان را مورد تخطئه قرار داد^(۱).

این تهمت در کتابی ضعیف و غیر مقبول نقل نشده است بلکه در صحاح و مسانیدی که مورد امضای اهل سنت می‌باشد ذکر شده است، بنابر این نمی‌توانند

→ عمدة القاری، جلد ۴ صفحه ۲۵.

۱. از منابع اهل سنت: مجمع الزوائد، جلد ۹ صفحه ۴۱۸ و سنن الکبری، جلد ۵ صفحه ۵۴، برای اطلاع بیشتر و نقد این اتهام به جزوه شماره ۸۷، مراجعه نمایید.

این تهمت را انکار کنند.

برطبق عقیده شیعیان چنین روایاتی از نظر متن و سند، دچار ضعف و سستی می‌باشد و قطعاً از مجعولاتی است که در ورای آن اهدافی شوم و ناپسند وجود دارد. بعد از ریشه یابی چنین جعلیاتی، به این نتیجه می‌رسیم که هدف جاعلان مخدوش نمودن سابقه نیک و پسندیده رسول خدا ﷺ و اجداد طاهرین ایشان و نیز یکسان سازی میان خلفاء و رسول خدا ﷺ می‌باشد. به این معنا که اگر خلفا دارای سابقه بت‌پرستی می‌باشند، رسول خدا ﷺ نیز قبل از بعثت بت‌پرست بوده و دارای این سابقه زشت می‌باشند، العیاذ بالله.

اضطراب ودلهرة رسول الله ﷺ از پیک وحی

اهل سنت برای رسیدن به اهداف شیطانی خود از وارد کردن هیچ اتهامی دریغ نمی‌کنند و از هر سو شخصیت الهی رسول خدا ﷺ را نشانه می‌گیرند. نمونه‌ای دیگر از اتهامات آنها این است که رسول خدا ﷺ به رسالت خود و پیک وحی باور و اطمینان نداشته‌اند، لذا در ابتدای رسالت خود با دیدن پیک وحی دچار واهمه و لرزش گردیدند.

مطابق ادعای اهل سنت، پیک وحی در مرتبه اول بر رسول خدا ﷺ نازل شد و گفت: ﴿اقْرَأْ﴾: بخوان، ولی ایشان اظهار داشتند که من توانایی خواندن ندارم. تا سه مرتبه جبرئیل ایشان را گرفت و پوشانید ولی پاسخی نشنید تا این که رسول خدا ﷺ از کوه پائین آمده و نزد حضرت خدیجه رضی الله عنها رفتند و گفتند: مرا با چیزی بپوشان و ماجرا را برای خدیجه تعریف نمودند. حضرت خدیجه رضی الله عنها ایشان را برای راهنمایی به ورقة بن نوفل معرفی نمود. وقتی رسول خدا ﷺ ماجرا را برای ورقة بن نوفل تعریف نمودند، او گفت: هرگز از دیدن او به خود

ترس راه مده، زیرا او همان ناموس اعظم و بیک الهی است که بر موسی و عیسی علیهم السلام نازل می‌شد و تو به رسالت برگزیده شده‌ای^(۱).

اهل سنت در ادامه اتهامات خود نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل تأخیر وحی ناراحت و عصبانی شدند، لذا تصمیم گرفتند از کوهی بالا رفته و خود را از آن پرتاب نمایند. در این هنگام جبرئیل نازل شد و ایشان را از این عمل زشت بازداشت^(۲).

حال پرسش این است که آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حرمت عمل زشتی همچون خودکشی اطلاع نداشتند، و آگاه نبودند که خداوند متعال وعده داده است که هرگز ایشان را رها نخواهد کرد؟ خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾^(۳).

خداوند هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است.

نقد و بررسی

در پاسخ به این گونه اتهامات و شبهات (البته بنابر فرضی که روایت فوق را از نظر متن و سند صحیح بدانیم) خواهیم گفت: مفهوم روایت فوق با بسیاری از آیات قرآن کریم در تناقض آشکار می‌باشد که در ادامه به نمونه‌ای از این آیات اشاره می‌کنیم:

۱. خداوند متعال می‌فرماید:

۱. از منابع اهل سنت: صحیح بخاری، جلد ۱ صفحه ۳ و جلد ۶ صفحه ۸۸، صحیح مسلم، جلد ۱ صفحه ۹۷، السنن الکبری، جلد ۹ صفحه ۶، الدر المنثور، جلد ۶ صفحه ۳۶۸، البداية والنهاية، جلد ۳ صفحه ۶.
۲. صحیح بخاری، جلد ۸ صفحه ۶۸.
۳. سوره ضحی، آیه ۳.

﴿وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ﴾^(۱).

او (جبرئیل) را در افق روشن دیده است.

پرسش این است آیا کسی که جبرئیل را به این صورت مشاهده نموده است، از او ترسی به دل راه می‌دهد؟ آیا نمی‌داند که او پیک الهی است؟ آیا می‌توان تصور نمود که رسول خدا ﷺ در نبوت و رسالت خود شک نموده است!!

۲. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾^(۲).

بگو این راه من است! من و پیروانم، با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم. منزّه است خدا و من از مشرکان نیستم.

بنابر مفهوم این آیه شریف، رسول خدا ﷺ از ابتدای رسالت تا انتهای آن هرگز از مسیر آگاهی و بصیرت خارج نشدند و در دام شک و شبهه گرفتار نشدند.

۳. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿... يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ﴾^(۳).

ای موسی! نترس، که رسولان در نزد من نمی‌ترسند.

آیات فوق را به روایتی زیبا از امیرالمؤمنین عليه السلام ضمیمه نموده و نتیجه می‌گیریم که رسول خدا ﷺ با پیک وحی آشنایی کافی داشتند و هرگز از او ترسی به دل راه ندادند. حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام می‌فرمایند:

«... أرى نور الوحي والرسالة وأشم ريح النبوة»^(۴).

من نور وحی و رسالت را می‌دیدم و بوی نبوت را استشمام می‌نمودم.

۱. سوره تکویر، آیه ۲۳.

۲. سوره یوسف، آیه ۱۰۸.

۳. سوره نمل، آیه ۱۰.

۴. الغدير، جلد ۳ صفحه ۲۴۰.

رسول خدا ﷺ گرفتار سحر و جادو می‌شود

چنان که گذشت اهل سنت رسول خدا ﷺ را با اتهامات گوناگونی همچون افسانه‌گرایی، سابقه بت پرستی و ... به مردم معرفی می‌کنند تا شاید بدین وسیله بتوانند ایشان را فردی معمولی از افراد جامعه جلوه داده و بر بخشی از جرائم و اشتباهات خلفای خود سرپوش بگذارند.

یکی از دیگر افتراءات و تهمت‌های ناروای اهل سنت به رسول خدا ﷺ این است که ایشان در مواردی سحر و جادو می‌شدند و سخنان و کردار غیر معمولی از ایشان سر می‌زد.

عایشه می‌گوید:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سَحَرَ لَهُ حَتَّى كَانِ يَخْتَلِ إِلَيْهِ أَنَّهُ يَصْنَعُ الشَّيْءَ وَلَمْ يَصْنَعْ»^(۱).

همانا رسول خدا ﷺ سحر و جادو می‌شد تا جایی که گمان می‌کرد فلان عمل را انجام داده است در حالی که انجام نداده بود. هم‌چنین در مورد دیگری عایشه می‌گوید:

«مَكَثَ النَّبِيُّ ﷺ كَذَا وَكَذَا يَخْتَلِ إِلَيْهِ أَنَّهُ يَأْتِي أَهْلَهُ وَلَا يَأْتِي»^(۲).
پیامبر ﷺ اندکی مکث کرد، فکر کرد که نزد زنان خود آمده است در حالی که نیامده بود.

پرسشی که به ذهن خطور می‌کند این است که آیا اهل سنت به لوازم سخنان

۱. صحیح بخاری، جلد ۴ صفحه ۶۸ و ۹۱، مسند احمد، جلد ۶ صفحه ۹۶ و الطبقات الکبری، جلد ۲ صفحه ۱۹۶.
۲. صحیح بخاری، جلد ۷ صفحه ۸۸، عمدة القاری، جلد ۲۲ صفحه ۱۳۵.

خود آگاه و واقف هستند؟ می‌دانند که در مورد چه شخصیتی این مطالب را بر زبان می‌آورند؟

در تعدادی از آیات قرآن کریم آمده است که مردم، نسبت سحر و جادو به رسول خدا ﷺ می‌دادند. زیباترین آنها آیه‌ای است که نسبت دهندگان سحر و جادو به رسول خدا ﷺ را منحرفین از توحید، نبوت و دیانت می‌داند و از آنها با عنوان ظالم یاد می‌کند.

﴿ وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ﴾^(۱).

و ستمگران گفتند: شما تنها از مردی مجنون پیروی می‌کنید.

سخن پایانی

در پایان نیز بر این نکته تأکید می‌کنیم که هدف اهل سنت از وارد کردن این‌گونه نسبت‌های ناروا آن است که رسول خدا ﷺ را فردی دارای سوء سابقه نشان دهند تا بدین وسیله ادعا کنند، کسانی که کرسی خلافت را اشغال کردند، با رسول خدا ﷺ تفاوت زیادی ندارند، بنابر این خلافت آنان غاصبانه نمی‌باشد. اگر رسیدن به این هدف شوم نبود معنا نداشت که خاتم پیامبران ﷺ را دارای اشتباهات و خطاهای آشکاری معرفی کنند.

در روایت آمده است:

« حلال محمد [ﷺ] حلال إلى يوم القيامة و حرامه حرام إلى يوم القيامة »^(۲).

۱. سوره فرقان، آیه ۸.

۲. بحار الأنوار، جلد ۸۶ صفحه ۱۴۹ و از منابع اهل سنت: تاریخ مدینه دمشق، جلد ۴۵ صفحه ۷۲، سنن الدارمی، جلد ۱ صفحه ۱۱۵ و کنز العمال، جلد ۱ صفحه ۱۹۶.

حلال محمد [ﷺ] تا روز قیامت حلال می‌باشد و حرام ایشان
نیز تا روز قیامت حرام می‌باشد.

بعد از ذکر این روایت، پرسشی که به ذهن خطور می‌کند این است: چگونه
کسی که بار رسالت را به دوش کشیده و حلال و حرام را برای مردم معرفی نموده
است، خود در طول زندگی دچار گناهان و اشتباهات معمولی شود؟ وقتی که
انسان‌ها حاضر نمی‌شوند فردی گناهکار، خطاکار، فراموش کار، ترسو، بی غیرت
را به عنوان خدمتکار منزل خود بپذیرند، چگونه می‌توانند (العیاذ بالله) چنین
فردی را به عنوان پیامبر و رسول خدا بپذیرند؟

« وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ »

خودآزمایی

- ① ماجرای نماز پیامبر ﷺ بر جنازه عبدالله بن ابی را شرح دهید؟
- ② بنابر آیه ۲۱ سوره احزاب الگو بودن پیامبر ﷺ دارای چه شرایط و لوازمی است؟
- ③ پذیرفتن گمراهی پیامبر ﷺ با کدام آیه قرآن مخالفت دارد؟
- ④ اعتراض و مخالفت عمر با پیامبر ﷺ چه پیامد و عواقبی برای او در پی دارد؟
- ⑤ زینب بنت جحش در رابطه با حجاب به خلیفه دوم چه گفت؟
- ⑥ جبرئیل و عزرائیل علیهما السلام چگونه به خانه رسول خدا ﷺ وارد می شدند؟
- ⑦ کدام رفتار عایشه با نص صریح قرآن مخالف است؟
- ⑧ اهل سنت در مورد شأن نزول سوره نجم چه می گویند؟ آن را نقد و بررسی نمایید.
- ⑨ آیا می توان پذیرفت که رسول خدا ﷺ نماز خود را به تأخیر انداختند؟
- ⑩ اهل سنت در رابطه با تأخیر نزول وحی چه اتهاماتی متوجه پیامبر ﷺ می کنند؟ آن را نقد کنید.
- ⑪ اتهام سحر و جادو شدن رسول خدا ﷺ را همراه نقد آن تبیین کنید.

هدف اهل سنت از وارد کردن این گونه نسبت های ناروا آن است که رسول خدا ﷺ را فردی دارای سوء سابقه نشان دهند تا بدین وسیله ادعا کنند، کسانی که کرسی خلافت را اشغال کردند، با رسول خدا ﷺ تفاوت زیادی ندارند، بنابراین این خلافت آنان غاصبانه نمی باشد. اگر رسیدن به این هدف شوم نبود معنا نداشت که خاتم پیامبران ﷺ را دارای اشتباهات و خطاهای آشکاری معرفی کنند... چگونه کسی که بار رسالت را به دوش کشیده و حلال و حرام را برای مردم معرفی نموده است، خود در طول زندگی دچار گناهان و اشتباهات معمولی شود؟ (صفحه ۳۳ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت : ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - نمابر : ۴۴۴۹۹۳۳

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۹۳

۶۷